

سخنرانی رفیق علی خاوری ، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران
در دیدار مشورتی نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری آسیا و اقیانوس آرام
در اولان باتور

اراده خلق هادرهمیاری بانبروهای سوسیالیسم، صلح جهانی را تضمین می کند

رفقای ارجمند!
قبل از هر چیز از حزب توده انقلابی مغولستان که
مبتکر و سازمانده تجمع امروز ماست، بخاطر این ابتکار
و دعوتی که از حزب ما برای شرکت در این دیدار بعمل
آمده است، صمیمانه تشکر می کنم.
هنگامی که سرنوشته بودن و نبودن انسان و فرهنگ او
پر سیاره ما معین می شود، کشورها و خلقهای آسیا و
اقیانوس آرام نقش ویژه ای را بعهده دارند. آینده
بشریت تقریباً به تمام و کمال وابسته به آنست که این

منطقه عظیم چه روشی نسبت به مسئله صلح و جنگ در
پیش بگیرد.
در این منطقه کشورهای سوسیالیستی، کشورهای
رشدیافته سرمایه داری و کشورهای رشدیابنده که در
مراحل گوناگون رشد اقتصادی - اجتماعی هستند، قرار
دارند و از لحاظ سیاسی برداشت ها و برخورد های
متفاوتی نسبت به سایر مسائل دوران معاصر ما، بخصوص نسبت
به مسئله جنگ و صلح، بچشم می خورد.
بقیه در ص ۴



شماره ۱۶۶ دوره هشتم
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۶/۵/۱۲
بها ۲۰ ریال

نامه مادران و همسران زندانیان سیاسی ایران به کنگره جهانی زنان

عده ای از مادران و همسران زندانیان سیاسی ایران
توسط "نامه مردم" نامه ای برای شرکت کنندگان
در کنگره جهانی زنان که از بیست و سوم تا بیست و
هفتم ژوئن سال جاری در مسکو برگزار شد نوشته
بوده اند که متأسفانه یکماه پس از پایان کنگره و با
تأخیر زیاد تازه به دست ما رسیده است. با اینهمه
"نامه مردم" مفید دانست که این نامه را عیناً چاپ
کند و ترجمه آنرا نیز برای فدراسیون بین المللی
زنان دمکرات ارسال دارد:
اعضای محترم کنگره جهانی زنان!
ما، امضا کنندگان این نامه به نمایندگی از
جنبش زنان ترقیخواه و صلحدوست ایران برگزار
کنگره جهانی زنان را به شما اعضای کنگره و همه
زنان جهان تبریک می گوئیم.
ما زنان نیمی از جمعیت پنج میلیاردی جهان
را تشکیل می دهیم. زندگی در دامان ما پرورش
می یابد، رشد می کند و دوباره به بار می نشیند.
هستی ما با زاینده گی و سازندگی پیوند خورده است.
بنابر این چگونه می توانیم هواخواه یا حتی شاهد
جنگ و کشتار هموعان خود باشیم. "صلح آرامان
بلند همه انسانها و در درجه اول ما زنهاست. در
شرایطی که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم
آمریکا سودای تشدید مرکب تولید سلاحهای
هسته ای و گسترش آن به فضای کیهانی را در سر

افزایش نیرو و امکانات تجاوز، آمادگی خود را
برای مداخله نظامی هر چه پیشتر در امور منطقه
نشان می دهند و جنگ طلبان ج. ا. نیز بدون آن
که مسئولیتی در قبال کشور و منطقه احساسی
کنند، با ادامه سیاست ماجراجویانه خود، چاده
صاف کن کشورهای امپریالیستی در رسیدن به
مقاصد شومشان می شوند.
امروزه منطقه خلیج فارس عرصه مانور
کستاخانه نیروهای شده است که از آن سوی دنیا
بقیه در ص ۲

ج.ا. جاده صاف کن امپریالیسم آمریکا در خلیج

خلیج فارس آپستن حوادث ناگهانی و نه
چندان غیرمنتظره است. هر لحظه بیم آن می رود
که در این منطقه بحرانی به دریای آتش بدل شود و
پدینسان بشریت یا مسئله خطرناکی روبرو گردد
که حداقل آن گسترش کشت و کشتار و ویرانی
کشورهای خلیج فارس خواهد بود. تاکتیک جدید
رژیم دایر بر تهدید همپاران مناطق نفتی کویت
بالقوه می تواند آغاز یک ماجراجویی خونین تازه
باشد.

ایالات متحده آمریکا و برخی متحدانش با
افزایش نیرو و امکانات تجاوز، آمادگی خود را
برای مداخله نظامی هر چه پیشتر در امور منطقه
نشان می دهند و جنگ طلبان ج. ا. نیز بدون آن
که مسئولیتی در قبال کشور و منطقه احساسی
کنند، با ادامه سیاست ماجراجویانه خود، چاده
صاف کن کشورهای امپریالیستی در رسیدن به
مقاصد شومشان می شوند.
امروزه منطقه خلیج فارس عرصه مانور
کستاخانه نیروهای شده است که از آن سوی دنیا
بقیه در ص ۲

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ادامه دارد

خبرهای رسیده از ایران حاکی از آنست که
ددمنشان جمهوری اسلامی فشارهای خود را بر
زندانیان اعتصابی به طرز وحشتناکی
افزایش داده اند. اعتصاب همگانی پویژه در
پندهای ۲۰، ۹ و ۱۶ زندان گوهردشت همچنان
ادامه دارد. یورشهای پی در پی زندانبانان
وحشی به زندانیان سیاسی و ضرب و شتم آنان
عده ای را پشدمت مجروح کرده است. ملاقات
زندانیان قطع گردیده، خانواده ها را از دیدن
عزیزانشان محروم کرده اند. تجمع
خانواده امداد مقابل زندان و اعتراض جمعی به
اعمال گستاخانه رژیم، باعث دستگیری عده
زیادی از آنان شده است که در اثر فشار و
عکس العمل خانواده های دستگیر نشده،
اوباشان رژیم "ولایت فقیه" مجبور به عقب
نشینی شده و همه را آزاد کرده اند.
بقیه در ص ۸

تورم و گرانی ناشی از سیاست اقتصادی خود رژیم است
گرائفروشان "راه دولت واکلا کرد. مجازات ها
و محرومیت های گوناگون از شلاق تا قطع آب و برق
و تلفن و حتی اعدام برای گرائفروشان و محترمان
در نظر گرفته شده و در هیاموی تبلیغاتی جاری،
سران سه قوه و دیگر دست اندرکاران ریز و درشت
در مصاحبه های رنگارنگ خود با زبانی آمیخته با
تهدید و اندرز درباره "اجرای موفقیت آمیز" این
طرح با گرائفروشان و محترمان سخن
می گویند.
بقیه در ص ۲

در مصحات بعد

- * کردستان در شعله های سوزان آتش دو جنگ در ص ۶
- * انجمن های اسلامی کار باید منحل شوند در ص ۷

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

تورم و گرانی...

میرزاده، معاون اجرایی نخست وزیر و سرپرست ستاد بسیج اقتصادی هدفهای کارزار اخیر را چنین بیان کرد: "دولت از طرح مبارزه با گرانفروشی و احتکار نه تنها اصلاح شبکه توزیع و سالم سازی جریان اقتصادی کشور، بلکه دقیقاً یک هدف سیاسی را تعقیب می کند و قصد آن دارد تا جمهوری اسلامی را از نارسایی ها و خطرهایی که آنرا تهدید می کند محافظت نماید" (اطلاعات ۶۶/۴/۱۸).

پیش از پرداختن به هدف اقتصادی یا بطور کلی به چاره اندیشی های نازای ضد تورمی رژیم، از جمله "طرح مبارزه با گرانفروشی و احتکار" که اساساً نمی تواند هیچ گره ای از کلاف سردرگم معضلات عظیم اقتصادی - اجتماعی کشور بکشاید و بیاری را از گرده زحمتکش و محرومان جامعه بردارد، بایسته است نخست درباره "هدف سیاسی" ارائه طرح اخیر دولت و قیل و قالهای پیرامون مبارزه با گرانفروشان و محتکران سخن گوئیم. زیرا در حال حاضر، این "هدف سیاسی" اهمیت درجه اول دارد و بازتاب عینی رشد جنیش و مبارزه طبقاتی و بی اعتباری روزافزون سیاسی رژیم در درون جامعه است.

معاون نخست وزیر در شرایطی از "سالم سازی جریان اقتصادی کشور" برای بهره برداری سیاسی بمنظور حفظ نظام از "خطر" فروپاشی صحبت می کند که "دولت خدمتگزار" عملاً هیچ کاره و سیاستش تابعی از خواست و اراده کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران است. در این زمینه حتی سه مقاله نویسنده اطلاعات اعتراف می کند که "درواقع، ما با پدیده "دولت در دولت" مواجهیم. دولت سیاسی، دولت رسمی و آشکار است... اما دولت دیگری هم بطور غیر رسمی وجود دارد و آن دولت اقتصادی است. یعنی همان نقدبستگی عظیم و آن همه درآمد هنگفت که مورد اشاره قرار گرفت، با آن همه کار می توان کرد. می توان نرخ گذاری کرد، می توان سیستم اقتصادی را به اینسو و آنسو متمایل کرد، می توان بطور کاملاً ظاهراً طبیعی موجب کمبود و احتکار شد، می توان سیاست اقتصادی وضع کرد و بالاخره حتی می توان کاری کرد که دولت هم به دنبال کشیده شود و به گران و گران فروختن تن بدهد" (اطلاعات ۶۶/۴/۸).

پدینسان، دولت برای اهرای وجود و جلب اعتماد سیاسی مردم "مبارزه" با گران و احتکار را در شرایطی آغاز می کند که تورم تاثیر زیانبار و فاجعه انگیزی بر وضع زندگی مژد و حقوق بگیران، بویژه ارتش چند میلیونی بیکاران گلداره است و به یکی از عوامل بسیار مهم تشدید تنش های اجتماعی و سیاسی و نیز گسترش اعتراض و مبارزه توده های زحمتکش بر ضد بهره کشی سرمایه تبدیل گردیده است. زحمتکش - بعنوان مصرف کنندگان اصلی نعم مادی - که با حقوق و دستمزد ناچیز خود نمی توانند سر و ته زندگی خویش را هم آورند و شکم زن و فرزند خود را سیر کنند، مبارزه خویش بر ضد تورم و گران را به اشکال و شیوه های گوناگون تشدید کرده اند. می توان گفت که اکثریت سکننده اعصابها و اعتراضهای زحمتکش در واحدهای کار، طی سالهای گذشته بویژه در ماههای

ج.ا. جاده صاف کن...

برای گسترش دایره نفوذ نواستعماری و بازسازی پایگاههای از دست رفته خویش در ایران هجوم آورده اند. علاوه بر رزمناوها و ناو هواپیما پر کانتیلین که پیش از این در خلیج مستقر شده بودند، اخیراً ناو گروه جدیدی به این سمت حرکت کرده است که شامل رزمناو بزرگ "میسوری"، مسلح به موشکهای "کروز" توماهاوک، دو رزمناو، یک ناوشکن، یک ناو موشک انداز و یک کشتی تدارکاتی است. رزمناو "میسوری" می تواند تا مسافت ۲۴۰۰ کیلومتر را با دقت کامپیوتری هدف قرار دهد. علاوه بر اینها چهار کشتی فرانسوی "برای دفاع از منافع فرانسه" و چندین هلیکوپتر "مین یاب" امریکائی "وارد صحنه" شده اند.

ایالات متحده آمریکا و متحدانش چه هدفی را دنبال می کنند؟

"نیویورک تایمز" می نویسد: "با افزایش خطر اقدامات انتقامجویانه ایران، لیستی از هدفهای این کشور در اختیار نمایندگانها و موسسات ایالات متحده" قرار داده شده تا "در صورتی که پوزیدنت ریگان دستور بدهد" آنها مورد حمله قرار بگیرند. پهنشته این روزنامه احتمال می رود که تاسیسات نظامی و اقتصادی در تهران و از جمله اسکله بزرگ نفت در جزیره خارک مورد حمله قرار گیرد.

چه عواملی زمینه ساز آن شده است تا ایالات متحده چنین بی محابا منطقه خلیج فارس را عرصه تاخت و تاز ناوگانهای خود قرار دهد و با استفاده از آب کل آلود بفکر گسترش پایگاهها و قلمرو قدرت جهانی خود بیفتد؟ بدون تردید باید پاسخ گفت که در شرایط کنونی مهمترین عامل، سیاست ماجراجویانه "جنگ، جنگ تا پیروزی" خمینی و پیروان مرتجع اوست که گوئی پادشاه سر جنگ دارند. وقتی که رضائی فرمانده سپاه پاسداران، می گوید: "تا کلمه حق را در همه دنیا جاری نکنیم از پای نخواهیم نشست" و از به اهتزاز درآوردن "پرچم لاله الاالله" در سراسر دنیا سخن می راند، بدیهی است اگر توپ خالی هم شلیک کرده باشد، بهانه کافی را بدست

آخر، بطور عمده با خواست افزایش دستمزد و حقوق با دریافت مزایای شغلی پیوند داشته است. به دیگر سخن مبارزه اقتصادی کارگران و زحمتکش در برابر فراز و نشیب خود همچنان پیش می رود و این مبارزه اقتصادی در شرایط معینی می تواند به اعتصاب سیاسی علیه رژیم حامی کلان سرمایه داران فرا رود. رژیم حکومتی ای مرکب از این امر هراس دارد، بویژه آنکه بی اعتمادی فزاینده توده ها نسبت به رژیم و سردمداران مرتجع آن زمینه عینی این فرا روشی را می تواند فراهم سازد. دقیقاً در همین چارچوب است که نگرانی ها و هشدارهای دست اندرکاران امور معنا پیدا می کند. مثلاً روزنامه "اطلاعات" در ستون "سخن روز" خود می نویسد: "اگر قبول داریم و این تجربه را باور داریم که گرانی و تورم... در هر کشوری چنین بوده است که این مشکل بزرگ سرانجام اساس حاکمیت و نظام را در مخاطره افکنده و زیر ضربات سنگین قرار داده است، پس باید با گرانفروشی و محتکر و عوامل واقعی و اساسی این پدیده، شوخی و مدارا نکنیم" (اطلاعات ۶۶/۳/۲۳).

"عوامل واقعی و اساسی" تورم تازه "موجود در ایران که" اساس حاکمیت و نظام را در مخاطره افکنده" و رژیم قادر نیست بر آنها غلبه کند از سیاست اقتصادی و مالی ناسالم خود رژیم سرچشمه می گیرد. مجموعه اقتصاد کشور با پدیده "تورم روبروست. گران و تورم موجود نه زائیده گرانفروشی و احتکار این یا آن بقال و فروشنده، بلکه زائیده نظام سرمایه داری وابسته، نظامی کردن و بی برنامهگی اقتصاد و عدم نظارت مؤثر بر فعالیت بخش خصوصی و تحکیم مواضع آن است. در ایران خود دولت عامل اصلی پیدایش و تشدید تورم است. سرهمبندی بودجه های کاذب، پیر کردن شکاف کسری بودجه عظیم و مزمن از طریق استقرار بانکی و چاپ اسکناس بدون پشتوانه، اختصاص بودجه سرسام آور برای ادامه جنگ، بالا بودن میزان مالیاتهای غیر مستقیم، هزینه های هنگفت و فزاینده دستگاههای اداری و امنیتی و نظامی دولت و سایر هزینه های غیر تولیدی که بخش عظیمی از درآمد ملی کشور را بدون آنکه تاثیری بر رشد اقتصادی داشته باشد - بکام می کشد، فشار تورمی شدیدی بر اقتصاد کشور وارد می سازد.

در حالی تورم بیداد می کند که نقدبستگی بخش خصوصی از مرز هزار میلیارد تومان می گذرد و "نود و پنج درصد این نقدبستگی متعلق به سه تا پنج درصد از مردم است" و "فقط درآمد مشاغل بخش خدمات بزرگانی نزدیک به بودجه عمومی کشور است" (اطلاعات ۶۶/۴/۸).

در حالی که تورم بالای ۵۰ درصد امان از مردم بریده است، روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی با کمال وقاحت از موفقیت دولت در مبارزه با گران و تورم دم می زند و اعلام می دارد که "به جرأت و قاطعیت می توان اعلام نمود" که سطح تورم آشفته ریائی است که "اگر نگوئیم در تمام ازمنه تاریخ بی نظیر بوده است، می توان آثار کم نظیر دانست" (کیهان ۶۶/۳/۲۶).

در حالی گران و تورم همچنان شلاق کش به پیش می تازد که درآمد ماهیانه ۵۰ درصد از خانواده ها کمتر از چهار هزار و پانصد تومان است و کارگران با حداقل دستمزد ۷۶ تومان و هزینه کمرشکن مسکن، سال و ماهی یکبار هم دستشان به

گوشت کیلویی ۲۵۰ تومان و بیشتر، مرغ کیلویی ۱۲۰ تومان و برنج کیلویی ۹۰ تومان نمی رسد.

در پایان باید خاطر نشان ساخت که کارزار اخیر رژیم در "مبارزه با گرانفروشی و احتکار" راه به جایی نخواهد برد، زیرا آنچه در طرح دولت، مبارزه با آن بازتابی نیافته همانا علل اساسی و زائیده تورم و گران است. ریشه تورم و گران را اساساً با تعزیر و شلاق و جریمه و حتی برپا کردن چوبه های دار نمی توان خشکاند. برای مهار تورم و گران - که نیاز به برنامه ریزی جامع و برخاسته از قانونمندیهای اقتصادی دارد - شلاق را باید برپیکر نظام عقب مانده و مناسبات ناعادلانه اقتصادی حاکم زد و همین کار است که از دستان فلج حکام مرتجع جمهوری اسلامی بر نمی آید.

رفیق صابر انصاری، مردی از تبار رنج و کار



"مرنی" غمگین است،
لاله باغش
چراغش را
رپوده اند.
"مرنی" خاموش است،
حنجره فریادگرش

صدایش را
پریده اند.
"مرنی" مویه می کند
پیرانش
چوانانش
کودکانش
با های های خون می آیند.

اگر چراغش را رپوده اند
چراغهای دیگری باید گیراند
ظلمت شکاف و امیدافروز
غزلی باید خواند
شایسته "مرنی"
و آرزوهایش

تکیده بود و رنگ پریده ۱۲۰ ماه زجر و شکنجه
- از خرداد ۶۲ که به پندش کشیدند تا تیر ۶۲ که
از هراس رسوایی رهایش ساختند جسم دردمندش
را ذره ذره به خاکستر نشاندند و می رفت تا با
آرزوهای بزرگ انسانی و با آرمناهای توده ای و
انقلابی اش برای همیشه چشم پر هم نهد.

خدای ناخواسته شکست آن به شکست همه
مومنان می انجامد."
در این چارچوب، باید در انتظار رویدادهای
جدیدی بود که بدون تردید به نفع میهن ما و
خلقهای منطقه خواهد بود. اما صرف نظر از
حوادث غیر مترقبه ای که ممکن است روی دهد،
در یک چیز نباید تردید کرد که علیرغم هیاهوی
بسیار، لبه تیز حمله رژیم نه بسوی ایالات
متحده، بلکه بسوی کشورهایی از قبیل کویت
است.

سخنان رفسنجانی و خامنه ای دایر بر استفاده
از موشکهای زمین به زمین برای بمباران
موسسات نفتی کویت، همانطور که پیش از این
اشاره شد نشانگر تاکتیک جدیدی است که هدف از
پنکارگیری آن فرار از رویارویی مستقیم با
آمریکاست. تصادفی نیست که رفسنجانی در
سخنان گله آمیزش دایر بر تلاش آمریکا برای
"نگهداشتن صدام" خطاب به آمریکا می گوید:

امپریالیستها می دهند که در راستای تحقق هدفهای
خود گام بردارند. تهدیدهای اخیر رفسنجانی
علیه کشورهای منطقه را نیز از جمله در این
چارچوب باید سنجید. وی می گوید: "تصمیم
چنگی ج. ا. این است که اگر به چاهها، مراکز و
تاسیسات ما حمله شود، ما نیز تاسیسات و مراکز
شرکای عراق را مورد حمله قرار خواهیم داد." گویی در
پاسخ به این تهدید رفسنجانی است که
"نیوزویک" ۳ اوت ۸۷ فاش می سازد که شولتز،
وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، در گفتگوی
محرمانه خود با وزیران امور خارجه کشورهای
عربی در سال ۱۹۸۵ تعهد کرده است "در صورتی که
دولتهای خلیج بطور علنی تقاضای کمک کنند و
امکان استفاده از تجهیزات مناسب را
فراهم آورند، ایالات متحده به دفاع از تمامیت
ارضی این دولتها کمک خواهد کرد". این تعهد
در چارچوب دکترین کارتر انجام شده است که
هر گونه حمله به خلیج "حمله ای به منافع
جهانی ایالات متحده شمرده می شود"

این در شرایطی است که کشورهای سوسیالیستی،
به ویژه اتحاد شوروی، و پشتیبان مطلق در سراسر
جهان با تمام نیرو تلاش می ورزند تا با پایان
دادن به جنگ خانمانسوز ایران و عراق که هستی
دو کشور را پیش از پیش به یغمان می برد، در
پرابر گسترش نفوذ امپریالیسم جهانی، به
سرکردگی امپریالیسم آمریکا، سد محکمی ایجاد
کنند. قطعنامه اخیر شورای امنیت که ایالات
متحده نیز پناگزییر به آن تن داده است،
نشانه هایی از این تلاش است. اما هنوز این
قطعنامه صادر نشده بود که خامنه ای در اجتماع
مردم تبریز اعلام کرد که "این قطعنامه از نظر ما
بشیزی ارزش نخواهد داشت. رجائی خراسانی،
نماینده ج. ا. در سازمان ملل متحد نیز با
فراتر نهاد و بطور کلی موجودیت شورای امنیت را
زیر علامت سوال برد. وی گفت: "از نظر ما
شورای امنیت از اهمیت برخوردار نیست". دیگر
دولتمردان ج. ا. مثل ولایتی و رفسنجانی و موسوی
نخست وزیر نیز با تکرار حرفهای غیر منطقی
گذشته و برداشتن سنگ بزرگ "آب پاکی" بروی
دست "شورای امنیت" ریختند. مثلاً در حالی که
در قطعنامه تعهد شده است که پس از آتش بس
در چانه یک شورای بین المللی "متجاوز" را
تعیین خواهد کرد، رفسنجانی پذیرش قطعنامه را
در گرو اعلام متجاوز و "تعیین غرامت جنگ" قرار
داد. ولایتی نیز گفت: "ج. ا. بشرطی با شورای
امنیت و اعضای آن همکاری خواهد کرد که این
شورا رژیم عراق را بعنوان متجاوز و مسئول جنگ
معرفی کند". متعاقب این اظهار نظرها
غیر مسئولانه است که خمینی حرف آخر را می زند
و اعلام می دارد که "تب جنگ در کشور ما جز با
سقوط صدام فرو نخواهد نشست". او پایان جنگ
را به معنی شکست "صدور انقلاب" و حتی نقطه
پایانی بر عمر منحوس رژیم چهل و جنگ و جنایت
می داند. او می گوید: "امروز بدون شک سرنوشت
همه امتهای و کشورهای اسلامی به سرنوشت ما در
جنگ گره خورده است. ج. ا. در مرحله ای است
که پیروزی آن بحساب پیروزی همه مسلمانان و

آنان که سالیان دراز، دوش بدوش او خاک غم
خیز "مرنی" عرق ریخته بودند و چنان کنده
بودند، در چنگال مرگ رهایش نساختند، بدوش
کشیدند و بردند، از "مرنی" به اردبیل و از
اردبیل به تهران، از این پزشک به آن پزشک. از
این درمانگاه و بیمارستان به آن درمانگاه و
بیمارستان اما پزشکان سخن آخر را گفته بودند.
زخمی که بر پیکر استوارش تنیده بود و زهری که
در کامش ریخته بودند کاری تر از آن بود که
بتوان به خیال زنده ماندنش دل بست. دیریا زود
از میانشان رخت پر می پست، هر چند که
اسطوره ذهنشان می شد. از آن پس تا ۲۶ بهمن ۶۵ که
این روان نام آرام به تاریخ خونبار نبرد بی امان
خلق با ضد خلق پیوست، پزشکوه ترین فصل
زندگی رفیق صابر انصاری، عضو وفادار حزب
توده ایران، آغاز شد. او که یکی از
فعالترین مبارزان توده ای در "مرنی" و
روستاهای دورو بر آن بشمار می رفت و پایگاه
مردمی اش آنچنان قوی بود که در زادگاهش بعنوان
کاندیدای حزب توده ایران برای نمایندگی
مجلس پیشترین رای را آورد، در بستر مرگی که
خرد خرد چنان عاشقش را در پر گرفت، یکدم از
رسوا ساختن رژیم که شجاعتترین و صادق ترین
فرزندان خلق را بیای غول سرمایه قربانی
می کرد، باز نایستاد. در واپسین روزهای زندگی،
هنگامی که تقریباً تمام مردم "مرنی" و اطراف به
پالینش آمده بودند تا دست تسلی پر شانه یار دل
سوز و قدیمی خود نهند، لب به سخن گشود و گفت:
ما آدمهای رنج کشیده باید قدر همدیگر را
بدانیم. به هم خوبی کنیم. دست هم را بگیریم و
به مبارزه برخیزیم. مطمئن باشید که غیر از
خودمان هیچکس منکرمان نیست. دستمان را به هم بدهیم
و یار وفادار هم باشیم. در گفتار ساده، پر شور و
صمیمانه رفیق صابر حقیقتی بود که زحمتکشان را
به یگانگی و ییکار متحد با چنایتنکاران فرا
بقیه در ص ۸

"اگر زمانی گلوله ای بین ما رد و بدل شود،
بدانید که تا چند دهه دیگر ملت ما اجازه
نمی دهد که یک آمریکائی پای به این منطقه
بگذارد".

رفسنجانی پمناپه سازمان ده زود پنندهای پشت
پرده با امپریالیسم آمریکا در ماچرای "ایران
گیت" خوب می داند که در قالب سخنان دو پهلوی
منظور خود را چگونه به آمریکا بفهماند. باید
خاطر نشان ساخت که تعیین کنندگان اصلی
سیاست آمریکا، یعنی حامیان 'مبانه روه' نیز
سخنان امثال رفسنجانی را خیلی خوب درک
می کنند.

در شرایط کنونی، هدف آمریکا تحکیم مواضع
سیاسی- نظامی خود در منطقه با استفاده از
سیاست ماچراچویانه رژیم ج. ا. است. تهدید
کویت و دیگر کشورهای منطقه از چانه ج. ا. در
خدمت این استراتژی ایالات متحده است.

اراده خلق هادرهمیاری . . .

بهرنجی و دشواری مسائل منطقه* مزبور و مشی بسیاری از کشورهای دیگر، ناشی از ماهیت امپریالیسم و تلاش آن برای تحمیل نظم مورد نظرش بر جهان است. علت وقوع دو جنگ جهانی که تلفات جانی و خسارتهای بزرگ مادی برای بشر بهار آورد و دیگر اقدامات سلطه جویانه و تجاروگرانه* امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا را باید در اجرای سیاست نئوگلیالیسم (جهان سالاری نوین) آن دید که در برقراری آنچنان مناسبات سیاسی، اقتصادی و نظامی ای تلاش می‌ورزد، که غارت بی‌پند و پاره خلهار انامین کند.

ایجاد نیروهای عظیم دریائی و هوائی مجهز به سلاحهای هسته‌ای و سلاحهای ثانوادی وسیع جمعی، تشکیل اتحادهای نظامی، تقلیر مثلث واشنگتن - سول - توکیو، فشارهای سیاسی، اقتصادی، محاصره و تحریم اقتصادی علیه کشورهای مستقل این منطقه، تحریک کشورهای علیه کشورهای دیگر، پشتیبانی نظامی و مالی از ضدانقلابیون نیکاراگوت و السالوادور، مناسبات خصمانه نسبت به کوبهای سوسیالیستی و بطور کلی نسبت به جنبش آزادیبخش ملی در این منطقه، پشتیبانی از رژیم‌های استبدادی نظیر رژیم پینوشه در شیلی، خرابکاری در امور شوروائی که سیاست خارجی مستقل و رشد مستقل و ادپیش گرفته اند، مانند هندوستان - تنها بخشی از سیاست جهان سالاری نوین است که ایالات متحده* آمریکا از آلاسکا تا استرالیا، از خلیج فارس تا مجمع الجزایر میکرونزی دنبال می‌کند.

ایالات متحده* آمریکا در سال ۱۹۸۲ فرماندهی مرکزی - سنکوم را بوجود آورد که ۱۹ کشور خاور نزدیک و میانه را در بر می‌گیرد. کشورهای حوضه* اقیانوس هند، خلیج فارس و دریای سرخ مورد تهدید و زیر خط سنکوم قرار دارند.

هدف "سنکوم" سرکوب جنبش آزادیبخش ملی* تأمین حضور وسیع نظامی ایالات متحده* آمریکا در این نواحی به منظور غارت منابع گرانبهای کشورهای منطقه* خلیج فارس است.

ایالات متحده* آمریکا تنها در کشورهای آسیائی ۲۶۰ پایگاه نظامی از جمله ۹۰ پایگاه نیروهای هوائی و نیروهای دریائی و زمینی در اختیار دارد و در عین حال پایگاههای نظامی خود را در جنوب غربی آسیا گسترش داده و تقویت می‌کند.

در ایالات متحده* آمریکا می‌گویند: "خصلت جهانی منافع آمریکا از این کشور می‌خواهد که قدرت نظامی خود را در تمام مناطق جهان تقویت کند". ایالات متحده* آمریکا این "حق" را بدست آورده است که پایگاههای نظامی خود را در بحرین، کنیا، مصر، عمان، سوماتی، مراکش و عربستان سعودی، هر طور که لازم ببیند و هر وقت که لازم بداند، مورد استفاده قرار دهد.

ایالات متحده* آمریکا از رژیم صبا* الحق که پس از سرنگونی رژیم شاه در ایران در ۱۳۵۷ نقش ژاندارم آمریکا در آسیا را بعهده گرفته است، همه گونه پشتیبانی بعمل می‌آورد.

پاکستان کمک عظیم نظامی از ایالات متحده* آمریکا دریافت می‌کند. رژیم پاکستان در اجرای سیاست آمریکای همه گونه مداخله در امور افغانستان انقلابی را برای خود قائل می‌شود. ایالات متحده* آمریکا از طریق پاکستان چندین سال است که جنگ اعلام نشده علیه افغانستان را ادامه می‌دهد و از پاکستان بعنوان وسیله* فشار و شانتاژ علیه کشور مستقل هندوستان استفاده می‌کند.

امپریالیسم آمریکا در جنوب شرقی آسیا به تحریکات مداوم برای ایجاد تشنج در روابط کامپوچیا و تایلند دست زده و برای تثبیت حضور خود در تایلند تلاش می‌ورزد.

ایالات متحده* آمریکا میهن ما را در دوران دیکتاتوری شاه به رژیم دست نشانده* خود تبدیل کرده بود. حضور دهها هزار نفر مستشار آمریکائی در ایران، فروش دهها میلیارد دلار اسلحه* آمریکائی به ایران، میهن ما را به ژاندارم امپریالیسم آمریکا مبدل ساخته بود. رژیم شاه در اجرای سیاست نواستعماری و جهان سالاری ایالات متحده* آمریکا نقش فعالی را بعهده گرفته بود.

هر چند انقلاب ۱۳۵۷ شاه و رژیمش را نابود کرد ولی امپریالیستهای آمریکائی و متحد استراتژیک آن - اسرائیل - امید بازگرداندن ایران به شرایط گذشته را از دست نداده اند.

اهمیت استراتژیک منطقه* خلیج فارس بر کسی پوشیده نیست. ۲/۳ ذخائر نفت جهان سرمایه داری در این منطقه قرار دارد. امپریالیسم، ایران را

به منابه کشوری دارای اهمیت بزرگ استراتژیک به صاحب منابع غنی طبیعی و کشوریکه دارای ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با اتحاد شوروی است آماج نقشه‌های استراتژیک و سیاسی خود قرار داده است.

ایالات متحده* آمریکا تمام سعی خود را به کار برد، تا مانع پیروزی انقلاب در کشور ما بشود. گفتگوی تلفنی برژینسکی، معاون رئیس جمهور سابق، کارتر، در شورای امنیت ملی آمریکا را در روزهای اوج انقلاب با شاه بخاطر بیاوریم. او به شاه توصیه می‌کرد: "... اعلیحضرتا! باید نیرو را به کار گرفت، تصورات مربوط به حقوق بشر را نباید آنقدر هاجدی تلقی کرد!".

این توصیه و رابطه* امپریالیسم نسبت به میهن ما و حقوق بشری نیاز از هر تفسیر و تعبیری است.

سیاست سلطه گرانه امپریالیسم نسبت به میهن ما بهیچوجه نازگی ندارد. ایالات متحده* آمریکا کودتای ضد ملی علیه حکومت قانونی مصدق در مرداد ۱۳۲۲ را سازمان داد و ۲۵ سال استبداد ساواک را به کمک سیا و موساد بر میهن ما تحمیل کرد.

معاملات پنهانی سالهای اخیر بین رژیم جمهوری اسلامی و ایالات متحده* آمریکا که در مطبوعات جهان بنام "ایران گیت" معرفی شده است بوضوح حکایت از سیاست نواستعماری و جهان سالاری ایالات متحده* آمریکا نسبت به میهن ما و منطقه* ما می‌کند.

ایالات متحده* آمریکا و متحد استراتژیک آن - اسرائیل - بدنبال همین سیاست است که در فروختن آتش جنگ بین ایران و عراق و ادامه* آن نقش فعالی بعهده داشته و دارند...

سالمه است که ایالات متحده* آمریکا در پوشش دفاع از "منافع حیاتی" خود در نقش تعیین کننده* سرنوشت خلیج فارس عمل می‌کند.

در شرایط و اوضاع شدیداً متشنج منطقه* ما که مسئولیت آن در درجه اول به عهده* ایالات متحده* آمریکا است، این کشور نیروهای دریائی خود را که قدرت تهاجمی آن مرتباً افزایش می‌یابد بحال آماده باش در آورده است. هم اکنون در محافل سیاسی و نظامی ایالات متحده* آمریکا صحبت از وارد کردن "ضربه پیش گیرانه" بر ایران مطرح است.

فرد هالیدی در یکی از مقالات اخیر خود درباره* "ایران گیت" می‌نویسد که با شکست دکترین جانسون در خلیج فارس، کارتر در سال ۱۹۸۰ اعلام داشت که ایالات متحده* آمریکا نیروهای نظامی خود در خلیج فارس را تقویت می‌کند تا جای شاه و شکاف موجود بین محل استقرار نیروهای آمریکائی در اروپا و خاور دور را پر کند.

ایالات متحده* آمریکا تلاش دارد که کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی را به توطئه‌های خطرناک خود در این منطقه جلب کند.

اخیراً کاسپار واین برگر اعلام داشت که ایالات متحده* آمریکا بر متحدان خود در "ناتو" همچنان فشار می‌آورد تا آنها را متقاعد سازد که برای تأمین آزادی رفت و آمد دریائی نیروهای نظامی آمریکائی، انگلیسی و فرانسوی در خلیج فارس کمک کنند.

ایالات متحده* آمریکا و متحد استراتژیک آن - اسرائیل - از هیچ کوششی برای متزلزل ساختن مبانی صلح و امنیت خلیجها در منطقه دریغ نمی‌ورزند. آنها در برداشت محصول از بذر نزاع و درگیری که توسط خودشان در خلیج فارس پاشیده شده است، شتابزده عمل می‌کنند.

جنگ برای مردم ایران و عراق بالغ بر یک میلیون کشته، بیش از دو میلیون زخمی و صدها میلیارد دلار خسارت بهار آورده است و فاجعه* جنگ موجب می‌شود که خلقهای ضدامپریالیست و ضدصهیونیست دو کشور بسود امپریالیسم آمریکا و شریک جرمش در منطقه - اسرائیل - تضعیف شوند و سیاست سلطه گری جهانی امپریالیسم سریع تر و آسان تر به ثمر نشیند.

اتحاد شوروی، دیگر کشورهای سوسیالیستی و کشورهای مستقل و صلحدوست در مقابل سیاست جهان سالاری نوین ایالات متحده* آمریکا در منطقه* مورد بحث ما - در آسیا و منطقه* اقیانوس آرام - سیاست صلح، امنیت خلیجها، دوستی و همبستگی را دنبال می‌کنند.

میخائیل گارباچف در دیدار با رفیق نگوش وان لنین، دبیر کل حزب کمونیست ویتنام، در مسکو، اظهار داشت که اتحاد شوروی خواستار نابودی هر چه سریع تر سلاحهای هسته‌ای در آسیا و ایجاد منطقه* خالی از سلاحهای مزبور است.

بیانیته* اتحاد شوروی، مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶، درباره* نابودی تدریجی سلاحهای هسته‌ای تا پایان قرن کنونی، برنامه* صلح اتحاد شوروی که در کنگره* ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی بتصویب رسید، اعلامیه* دهلی

کمونیسم ستیزی، این سلاح سرمایه‌های بزرگ و کشورهای امپریالیستی، از انقلاب اکثریت تاکنون علیه سوسیالیسم بکار برده شده است.

امپریالیستها با استفاده از امکانات عظیم رسانه‌های گروهی علیه صلح و سوسیالیسم، اقشار وسیعی از خلقهای کشورهای خود و دیگر کشورهای سرمایه‌داری را گمراه ساخته، اعمال سیاه خود را در پوشش مقابله با "خطر شوروی" انجام می‌دهند.

کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی به مثابه "خطر عمده برای امر صلح و امر تأثیر گذاری عامل انسانی در پیشگیری از جنگ عمل کرده و می‌کند. خلغ صلح امپریالیسم در جبهه "ایدئولوژیک وسیله‌ای بسیار موثر در مبارزه" بخاطر صلح است.

رفقا!

حزب توده ایران از پیشنهاد های اتحاد شوروی، سایر کشورهای سوسیالیستی و دیگر سازمانها و کشورهای صلح دوست مینی بر تخفیف تشنج، خلغ سلاح، ایجاد جهان بدون سلاح هسته‌ای، منع کشاندن مسابقه "تسلیحاتی به فضای کیهانی، همزیستی مسالمت آمیز، تأمین امنیت بین المللی، استقرار نظم نوین اقتصادی با رعایت منافع ملی همه" خلقها پشتیبانی می‌کند.

ما از حل مسالمت آمیز مسائل پیرامون افغانستان طرفداری می‌کنیم و همیستی خود را با حزب دمکراتیک خلق افغانستان که سیاست آشتی ملی را به پیش می‌برد اعلام می‌داریم.

ما از پیشنهاد های اتحاد شوروی، دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیروهای صلح دوست جهان برای استقرار صلح در خاور نزدیک، خاتمه دادن به تجاوز اسرائیل و تأمین حقوق خلق عرب فلسطین برای تشکیل دولت ملی خود و پایان دادن به جنگ ایران و عراق از طریق مذاکرات پشتیبانی می‌کنیم...

استبداد فئوکراتیک قرون وسطائی جمهوری اسلامی دشمنی عمیقی با آزادیهای دمکراتیک دارد. تضییقات شدید علیه احزاب و سازمانهای سیاسی و اتحادیه‌های کارگری، اعمال تحقیر آمیز ناقض حقوق و شایستگی زنان در جامعه، جنگ برادر کشی علیه خلق کرد که خود مختاری ملی راجح قانونی خود می‌داند، تعقیب، بازداشت، شکنجه و اعدام دگر اندیشان تنها بخشی از سیاست ضد خلقی حکام کنونی جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد.

اینجا لازم به یاد آوریم که دهها هزار نفر زندانی سیاسی در زندانهای رژیم بسر می‌برند. شکنجه و اعدام بی‌وقفه ادامه دارد. هزارها نفر از اعضا حزب ما بیش از چهار سال است که زیر فشار مداوم در زندانهای جمهوری اسلامی به بند کشیده شده‌اند. هزاران نفر از اعضا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، مجاهدین خلق و سازمانهای چپ و دمکراتیک ایران چنین سرنوشتی را از سر می‌گذرانند.

ما از همیستی و حمایت احزاب برادر تشکر می‌کنیم. باید مبارزه بخاطر آزادی زندانیان سیاسی ایران تشدید شود.

سیاست خارجی ماجراجویانه رژیم جمهوری اسلامی موجب ادامه جنگ ایران و عراق به قصد صدور "انقلاب اسلامی" به طوئه‌گری علیه نیروهای چپ و دمکراتیک در منطقه، انجام تبلیغات شدید ضد کمونیستی و مداخله خشن در امور داخلی افغانستان شده است و این جز ادامه سیاست داخلی رژیم نیست.

حکام جمهوری اسلامی علیرغم سیاست آشتی ملی جمهوری دمکراتیک افغانستان، اعمال تحریک آمیز و مداخلات خود در امور این کشور را تشدید کرده‌اند. آنها پاندهای ضد انقلابی را از نظر امکانات مالی و تسلیحاتی تأمین می‌کنند، در پایگاههای ویژه تعلیم خرابکاری می‌دهند و جنگ روانی دائمی علیه این کشور را ادامه می‌دهند.

نیروهای مترقی و دمکراتیک ایران این سیاست را که با منافع و شایستگی ملی مردم ما هیچ وجه مشترکی ندارد، شدیداً محکوم می‌کنند. رفقای گرامی!

نیروهای صلح و سوسیالیسم روز بروز نیرومندتر می‌شوند. مشی استراتژیک تسریع رشد اجتماعی-اقتصادی، نقش فزاینده "اندیشه نوین در حل مسائل داخلی و بین المللی در اتحاد شوروی - این کشور مقتدر سوسیالیستی و دژ استوار صلح جهانی، نیرو و اهمیت ربه رشد دیگر کشورهای سوسیالیستی، توازن نظامی - استراتژیک بین کشورهای سوسیالیستی و امپریالیستی و نقش روز افزون جنبش هواداران صلح در جهان ضامن نجات بشریت از فاجعه "مرگ هسته‌ای" است.

با این همه، تنها هنگامی می‌توان از پیروزی کامل امر صلح سخن گفت که اراده "خلقها برای حفظ صلح در همیاری و همگامی با نیروهای سوسیالیسم بخاطر جلوگیری از جنگ هسته‌ای عمل کنند.

درباره "شوروت تدوین اندیشه نوین سیاسی و تنظیم مفاد نوین صلح که تضمین امیدبخشی برای زنده ماندن بشریت باشد؛ پیشنهاد جمهوری دمکراتیک توده‌ای کره برای عادی ساختن اوضاع در شبه جزیره کره و تبدیل آن به سرزمین خالی از سلاح هسته‌ای؛ انجام مذاکرات بین این جمهوری و جمهوری کره جنوبی به منظور خارج کردن نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا از کره جنوبی و تأمین اتحاد دو بخش کره؛ پیشنهاد های کشورهای سوسیالیستی ویتنام، کامبوجیا و لاوس برای حل همه مسائل مورد اختلاف از طریق مسالمت آمیز و تأمین صلحی مطمئن در منطقه و سراسر جهان و پیشنهاد های دیگری از این قبیل، همه گویای آن مسؤلیت بزرگی است که کشورهای سوسیالیستی در قبال سرنوشت صلح و امنیت خلقها احساس می‌کنند.

رفیق باتونخ - دبیر کل کمیته مرکزی حزب توده انقلابی مغولستان سیاست صلح کشورش را با این سخنان تشریح می‌کند: "جمهوری توده‌ای مغولستان پیگیرانه کوشش بزرگی برای تحکیم امر صلح و امنیت، تقویت مبانی نظام و همکاری در منطقه بکار می‌برد. این کوششها در پیشنهاد سال ۱۹۸۱ برای عقد قرار داد عدم تجاوز و عدم کاربرد زور در مناسبات بین کشورهای منطقه ما تجسم مشخص یافته است..."

نه تنها کشورهای سوسیالیستی بلکه بسیاری از کشورهای صلح دوست و مستقل جهان و تعداد کثیری از کشورهای غیر متعهد به استقرار صلحی استوار و نظم نوین اقتصادی اعتقاد راسخ دارند.

م.س. گارباجف درباره "وضع منطقه آسیا و اقیانوس آرام می‌گوید: "اینکه چگونه رشد آتی اجتماعی - اقتصادی در اینجا پیش برده شود و چه روندهائی در مناسبات بین کشورها تفوق یابد، بمیزان زیادی تعیین کننده" سرنوشت تمام جهان خواهد بود."

کشورهای آسیا آفرینندگان اصول پانچاشیلا و باندونگ هستند که می‌توانند نقش مهمی در تأمین صلح و امنیت در این منطقه "عظیم استراتژیک ایفا کنند.

اعلامیه "دهلی با اصول دهگانه برای جهان بدون سلاح هسته‌ای و زور، ندای عقل بشر در حساس ترین دوران زندگی اوست. نمایندگان اتحاد شوروی و هندوستان طی دیداری در دهلی پیشنهاد عقد مقاله نامه "بین المللی مینی بر منع کاربرد سلاح هسته‌ای و یا تهدید به کاربرد این سلاح را مطرح ساختند.

در "اعلامیه مرکزی" مؤکداً گفته می‌شود که "... مسؤلیت حفظ صلح سیاره ما بعد از همه" خلقها نیست که در آن زندگی می‌کنند..."

در کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد در هراره به امر خلغ سلاح و از میان بردن سلاحهای هسته‌ای توجه خاصی میدول شد. در اعلامیه "سیاسی کنفرانس این نظر که صلح را می‌توان به کمک ارعاب هسته‌ای، از طریق افزایش زرادخانه هسته‌ای و تکامل آن حفظ کرد، قاطعانه محکوم گردید.

در سال ۱۹۸۵ تعداد ۱۲ کشور اقیانوس آرام در قرارداد "اروتونگ" خواستار تبدیل بخش جنوبی این اقیانوس به منطقه خالی از سلاحهای هسته‌ای شدند. رهبران این کشورها به کشورهای دارنده سلاحهای هسته‌ای پیشنهاد کردند که با نظر آنها موافقت کنند. تنها اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین جواب مثبت دادند. ایالات متحده آمریکا از پذیرفتن این پیشنهاد خودداری کرد.

کشورهای آسه آن نیز پیشنهاد می‌کنند که منطقه خالی از سلاحهای هسته‌ای بوجود آید.

سیاست امپریالیستی تجاوز و سلطه‌گری تنها با وسائل نظامی و تشدید و خامت نظامی در جهان اعمال نمی‌شود. امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، برای پیشبرد سیاست تجاوزکارانه اش به شانناژ ایدئولوژیک، فریب، ترور، نژادپرستی، آپارتاید، تخریب پایه‌های استقلال کشورهای مستقل توسط اختاپوس "سیا" عمل می‌کند.

امپریالیسم چه در سالهای پس از تولد نخستین کشور سوسیالیستی در جهان، چه در سالهای پیدایش فاشیسم، چه در سالهای پس از جنگ جهانی دوم - سالهای رشد سریع جنبش رهائی بخش ملی - از سلاح کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی برای سلطه بر جهان بهره گرفته است.

امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، به بهانه "خطر واهی شوروی اهداف سلطه گرانه" جهانی خود را پنهان می‌سازد و در نقش "فرشته نجات بخش جهان" از "امپراطوری شر" به صحنه آمده است. این "صلیبیون" قرن بیستم همه گونه وسائل کثیف را علیه سوسیالیسم و علیه کوشش روز افزون انسانها به عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار می‌دهند.

نامهٔ مادران و همسران . . .

بویژه جوانان، بجا ماندن آبادیهای سوخته و متروک و شهرهای ویران و آوارگی میلیونها نفر نبوده است. چه جانهای لطیفی که در کورهٔ جنگ سوختند. چه مزارع سرسبز و پیر اوتی که به عرصهٔ مبارزهٔ تانکها و سلاحها بدل گشتند. چه بسا مردان و زنان و کودکان آواره‌ای که دور از زادگاه و محل زندگی خود در شرایطی پائین‌تر از حداقل معیارهای زیستن انسان، به ناپودی کشیده شدند و می‌شوند. گرانی و فلاکت عمومی که در اثر کاهش تولید ملی و مخارج سرسام آور جنگ بطور فزاینده بر گردهٔ اکثریت مردم میهنمان سنگینی می‌کند، از دیگر نتایج این جنگ دهشتبار است. در این شرایط رهبران حاکم بر کشور ما هر روز بلندتر از روز پیش بر طبل جنگ می‌کوبند و شعار شوم "جنگ جنگ تا پیروزی" را به مناسبتی تکرار می‌کنند. گویا آنها بهترین راه برای باقی ماندن بر مسند قدرت و پر کردن جیب شرکای سرمایه‌دارشان را قربانی کردن فرزندان و برادران مایافته‌اند.

اعضای محترم کنگره!

فریاد ما را به گوش جهانیان برسانید. اکثریت قریب به اتفاق مردم میهن ما از جنگ بیزارند. آخر جنگی که شومی و شوربختی بر ایمان به ارمغان آورده است، چه نفعی به حال ما دارد. "جنگ، جنگ تا پیروزی" فریاد مسموم جنایتکاران و مرتجعین حاکم بر جمهوری اسلامی است. فریاد مردم ما "صلح و آزادی" است.

اعضای محترم کنگره!

حق آزادی اندیشه و تشکل در سازمانهای صنفی و سیاسی از حقوق پذیرفته شدهٔ انسان متقدم امروزی است. اما در رژیم ملایان حاکم بر میهن ما افراد را فقط بخاطر اندیشه‌شان یا عضویت در یک سازمان صنفی یا سیاسی به بند می‌کشند، شکنجه می‌کنند، در بدترین شرایط در سیاهچالهای قرون وسطائی محبوس می‌کنند و یا پس از تشکیل دادگاههای چند دقیقه‌ای به جوخهٔ اعدام می‌سپارند. بسیاری از دختران نوجوان و زنان حامله در زندانهای رژیم در زیر شکنجه جان دادند یا اعدام شدند. هم اکنون در میهن ما هزاران نفر زندانی مرد و زن سیاسی در شرایط کمبود غذا و وسایل آسایش و شکنجهٔ روانی و جسمی مداوم بسر می‌برند. ما از طریق شما و به نمایندگی از جانب همهٔ زنان ترقیخواه ایران از مردم جهان استمداد می‌خواهیم که با تمام نیرو نسبت به بیدارگریهای رژیم جمهوری اسلامی در حق زندانیان سیاسی اعتراض کنند.

زنان و مردان آزادهٔ جهان!

با کمک همهٔ وسایل و امکانات، از طریق تشکلهایی که در آنها عضویت دارید، با ارسال نامه به سازمانهای جهانی و مقامات ایرانی، بابرگزاری میتینگها و اجتماعات افشاگرانه رژیم جمهوری اسلامی را رسوا کنید و آزادی زندانیان سیاسی ایران را بخواهید.

اعضای محترم کنگره!

زنان زحمتکش در چارچوب سیستم سرمایه‌داری از سستی دوگانه رنج می‌برند. از طرفی قسمتی از دسترنج آنها، همچون همهٔ زحمتکشان، توسط استثمارگران به تاراج می‌رود و از طرف دیگر

کردستان

در شعله‌های سوزان آتش دو جنگ

حومهٔ آن آماج بمباران شیمیایی رژیم عراق قرار گرفته است. این جنایت فجیع و هولناک، دهها کشته و بیش از دوهزار مجروح بر جای گذاشت و شهر زیبای سردشت را به ویرانه تبدیل کرد.

رژیم، در شرایطی که دور از هر گونه مسئولیت-پذیری ملی و انسانی، همچنان بر طبل ادامهٔ جنگ و سرکوب خلق کرد می‌کوبد و زمینهٔ جنایتهای فاجعه‌باری همانند بمباران شیمیایی سردشت را فراهم می‌سازد که علیرغم تبلیغات وسیع و پرمیاهو و سینه به تنور چسبانندهای نمایشی، در محالجهٔ هم میهنان مجروحان هزار گونه کوتاهی از خود نشان می‌دهد. در این زمینه، کلی باقی‌های گلایه آمیز نمایندهٔ سردشت و پیرانشهر در مجلس رژیم، هر چند بی رنگ، گویای بسیاری از حقایق می‌تواند باشد. وی می‌گوید: "در زمینهٔ مساعدت و مداوای مصدومین و اظهار همدردی با مردم مسلمان و مظلوم و شهید پرور سردشت توقع ما بیش از این بود، زیرا آنطور که باید و شاید در بیمارستانها به مصدومین ما خدمت شده و به موقع مداوا نشده‌اند... به مسئولین محترم تذکر می‌دهم تا آمار تلفات بیش از این بالا نرفته، به وظیفهٔ وجدانی، انسانی و اسلامی خود عمل نمایند و آنها را که وضع وخیمی دارند، هر چه سریع به خارج اعزام کنند... از برادران هیأت دولت انتظار داشتیم که لااقل یک نفر به منطقه تشریف می‌آورد و در جمع مردم مصیبت دیده حضور می‌یافت" (اطلاعات ۶۶/۴/۲۴)

حزب ما ضمن محکوم کردن عمل ضد انسانی رژیم عراق در کاربرد جنگ افزار شیمیایی، داغ تلگ و نفرت بر پیشانی رژیم جمهوری اسلامی و سیاست ضد ملی و ضد مردمی آن، از جمله در زمینهٔ ادامهٔ جنگ ایران و عراق می‌زند و پشتیبانی همه جانبهٔ خود را از مردم کردستان در پیکار برحقشان در راه دستیابی به رهایی ملی اعلام می‌دارد.

خلق قهرمان کرد بر خاک خاکستر گون و خون آلود کردستان، در زیر بارش بمب و گلوله، در مرگ زار دوزخ آفریدهٔ رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به زندگی پر رنج و رزم خود ادامه می‌دهد. کردستان در آتش سوزان دو جنگ می‌سوزد، جنگ-نا-برابر و تحمیلی رژیم برای سرکوب پیکار برحق خلق کرد در راه رهایی ملی و جنگ ایران و عراق.

سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی با پیکارگری اشکال، شیوه‌ها و وسائل گوناگون هراس افکنی، شکنجه و کشتار، کردستان را به زندان تمام عیار تبدیل کرده‌اند؛ زندانی در حصار سیمهای خاردار، برجهای دیده‌بانی و کمینگاههای بیرون از شمار. کردستان امروز در نگاه اول، در حضور بیش از یکصد هزار تن از نیروهای سرکوبگر رژیم - از پاسدار، ارتشی و بسیجی گرفته تا مشتاقی مزدور و خود فروخته - در هزارها پایگاه، پاسگاه و پستهای بازرسی موجود در کلوگاهها، در بریابی کائوچوهای متعدد بازداشت، بازجویی و شکنجه و آزار، در تبدیل مدارس و درمانگاهها به زندانها و در فرماشروایی بی کم و کاست شرایط جنگی، سیمای رنج‌دیدهٔ خود را به نمایش می‌گذارد.

کشتار سنگدلانهٔ مردم کردستان که هزاران هزار شهید ثمرهٔ آنست، به بند کشیدن دهها هزار کرد از جمله زنان و کودکان و پیر مردان، شکنجه‌های غیر انسانی و اعدامهای غیر قانونی و به خاک و خون کشیدن روستاهای بی دفاع کردستان (همانند روستاهای قارنا، قلاتان، ملالر، ایندرتاش، حصار و...) از زمرهٔ اعمال روزمرهٔ نیروهای سرکوبگر رژیم در کردستان بشمار می‌رود.

طی سال گذشته، در متن ادامهٔ جنگ ایران و عراق و در نتیجهٔ بمباران نیروی هوایی رژیم عراق، نه تنها تعداد کثیری از اهالی شهرهای کردنشین جان باختند، بلکه اخیراً نیز شهر مرزی سردشت و مناطق

نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و حقوقی به درجات مختلف در حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی آنها را مورد تعدی قرار می‌دهد. ستم ویژه‌ای که در کشور ما از جانب رژیم مرتجع جمهوری اسلامی بر زنان اعمال می‌گردد غیر قابل توصیف است و تنها با سیاهترین اعصار قرون وسطی قابل مقایسه می‌باشد. از زمان استقرار رژیم تا بحال، آخوندهای حاکم سعی کرده‌اند زن را بعنوان موجودی درجهٔ دوم و ابزار ارضای نیازهای جنسی مرد به پشت صحنهٔ زندگی اجتماعی برانند. آنها با تصویب و اجرای قوانین مختلف می‌خواهند زنان را از مشاغل مختلف محروم کنند و آنها را در چار دیواری خانه محبوس نمایند. دستگاههای دولتی عملاً از استخدام زنان سر باز می‌زنند. زنان کارمند به بهانه‌های مختلف اخراج می‌شوند. در کارخانه‌ها از فرام آوردن حداقل تسهیلات لازم برای زنان کارگر امتناع می‌شود. در بسیاری از مؤسسات گرفتن مرخصی زایمان معادل با از دست دادن کار است. بغیر از این در صحنهٔ زندگی اجتماعی انواع تضییقات و محرومیت در حق زنان اعمال می‌شود. رژیم که تا کنون موفق شده است آزادی شیوهٔ پوشیدن لباس را از زنان بگیرد و "حجاب اسلامی"

را بر آنان تحمیل کند، هنوز در این عرصه از تاخت و تاز دست نکشیده است و هر از گاهی اوبانان رسمی و غیر رسمی منتسب به رژیم به بهانهٔ بی حجابی و بد حجابی زنان را مورد آزار و ضرب و شتم و بعضاً زندان و شکنجه قرار می‌دهند. در شرایط اوضاع وخیم اقتصادی، زنان زحمتکش کشور ما که بطور مستقیم با مشکلات مربوط به مخارج زندگی خانواده دست به گریبانند و در معرض تعدیات مختلف مرتجعین حاکم قرار دارند، حتی لحظه‌ای را به آسودگی نمی‌گذرانند.

اعضای محترم کنگره! زنان آزادهٔ جهان!

تحقق خواسته‌های ما و شما همهٔ زنان در گرو مبارزهٔ متحدان قرار دارد. زنان تنها با مبارزهٔ متحد و متشکل می‌توانند شرایط زندگی دمکراتیک و شایسته‌ای برای خود در کنار مردان فراهم آورند. پس همه با هم، هم‌رزم و متحد، در راه تحقق صلح، آزادی و عدالت اجتماعی برای همهٔ مردم و حقوق برابر اجتماعی برای زنان، در سر تا سر جهان بکوشیم.

عده‌ای از مادران و همسران زندانیان سیاسی ایران

توطئه سازمان یافته

رژیم ج.ا. به منظور وادار کردن دانش آموزان و فرهنگیان به شرکت در جنگ ویرانگر و مرگباری که اکنون هدف آن فقط صدور انقلاب و تجاوز است، توطئه های سازمان یافته ای را تدارک می بیند. در این زمینه اسنادی بدست ما می رسد که برخی از مهمترین آنها را به خوانندگان گرامی "نامه مردم" ارائه می کنیم.



اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان در پخشنامه ای به شماره به اداره آموزش و پرورش شهرستانهای تابعه دستور داده است که از طریق "ستاد جنگ مدارس"، ارگان عجیب الخلقه ای که فقط پرازنده اندام ناسازج.ا. است و از بیخ و بن با امر آموزش و پرورش تضاد دارد، دانش آموزان را بشکل گسترده به چپه های جنگ اعزام کنند. البته این توطئه محدود به یک استان نیست. مرتضی کتیرایی معاون امور جنگ وزارت آموزش

اتحاد

کارگری گفت به همکار خویش
روز و شبم بوده همه کار و کار
حال که پیرم من و زار و علیل
این چه نظامست عدالت کجاست؟
زحمت و کوشش همه از آن ماست
داد جوابش که رفیق عزیز
تا شناسیم ره از چاه ما
زندگی ما همه رنج و غم است
چاره درد من و تو، اتحاد
شد دلم از اینهمه بیداد، ریش
خم کمرم گشته از این روزگار
گشته ام اخراج بدون دلیل
اینهمه بیداد به من کنی رواست؟
منفعتش پیشکش اغنیاست
تاندهی خوب و بد از هم تمیز
تا که نجوئیم زهم اتکا
اینهمه از تفرقه مان ملهم است
جمع شو از تفرقه جز غم، نژاد.

و پرورش نیز "بخشی از توطئه های کمپیوینهای سه گانه سمینار قرارگاه بخشی از توصیه های سه گانه سمینار قرارگاه خاتم الانبیاء" را که جنبه عمومی دارد و مربوط به سراسر کشور است، در تاریخ ۱۳۱۸/۲/۶۵ به مناطق مختلف آموزش و پرورش ابلاغ کرده است. ما این باصطلاح "توصیه ها" را عینا کلیشه می کنیم:

بسمه تعالی
جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
معاونت امور جنگ

بخشی از توصیه های کمیسون های سه گانه سمینار قرارگاه خاتم الانبیاء (ص.۱)

- ۱- تصمیم گسترش مسئله جنگ در سطح مدارس با تشکیل حدی ستاد های جنگ مدارس.
- ۲- توزیع فرم ثبت نام بهمن محصلین و معلمان و کارمندان جهت تدارک اعزام به حسب با آموزش.
- ۳- تهیه بند ی دسته های مدارس برای اعزام و آموزش در شرایط اضطراری.
- ۴- استفاده از محصلین اعزامی در عملیات و جبهه های شمال.
- ۵- برنامه ریزی سیستماتیک و مستمر بصورت نمونه بندی جهت اعزام (بجای برنامه های مقطعی).
- ۶- تقویت هرچه بیشتر روحیه ایمنی و پشتیبانی استان و مناطق.
- ۷- بکارگیری هنرجویان در زمینه های تخصصی و گردان های مهندسی.
- ۸- بکارگیری دانشجویان آموزش دیده های فنی و فنیانی نیروهای تخصصی در جبهه ها.
- ۹- استفاده از روحیه ای متعلق و معانی آنها با ایجاد مدارس برای مدیریت و ترویج های آموزشی داخل جبهه ها (برای مدت سه ماه).
- ۱۰- ارسال فرمهای ای از ادارات کل به مدارس که در آنها فرمها معلنان مشخص کنند در سال تحصیلی در کدام فرم جمع با انجام وظیفه خواهند کرد.

مرتضی کتیرایی
معاون امور جنگ وزارت آموزش و پرورش

بسمه تعالی
جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
اداره آموزش و پرورش استان گیلان

به اداره آموزش و پرورش شهرستان / ناحیه / منطقه / ...
از اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان (ستاد اعداد و پشتیبانی)
سلام طلبکم.

هموگرد شما فی سلسله ستاد های اعداد و پشتیبانی جنگ شهرستانها و نواحی و ستاد مرکزی ستاد باسداران انقلاب اسلامی در تهران مقرر گردید که کاروان با تکمیل از فرماندهان و دانش آموزان به جبهه های نبرد حق علیه باطل اعزام گردند. جهت هرچه با تکمیل شدن این کاروان لازم است که از ستاد جنگ مدارس داوطلب ثبت نام بعمل آید. تا اثنای ... در روز اعزام که متاسفانه اعلام گردید تا عند حضور به از به، دانش آموزان و فرهنگیان با تیم.

مدیر کل - روزنامه ...

پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پیگیری، متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!

کنفرانس روزنامه نگاران کشورهای غیرمتعهد

چندی پیش کنفرانس روزنامه نگاران کشورهای غیرمتعهد در کابل برگزار شد. در این کنفرانس یک هیئت نمایندگی از روزنامه نگاران عضو حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز شرکت داشتند.

از سوی این هیئت نمایندگی سخنرانی مفصلی و مستدلی پیرامون وضع در رسانه های گروهی جمهوری اسلامی در برابر کنفرانس انجام گرفت که در آن از جمله آمده است:

در میهن به خون تبیده و استبداد زده ما امپریالیسم خبری پر رسانه های گروهی و از جمله رادیو و تلویزیون که همگی تحت نظر حکام مرتجع و ضد ملی ج.ا. فعالیت میکنند، تسلط پلا منازع دارد. بررسی مطبوعات حکومتی کشور یعنی روزنامه های کیهان، اطلاعات و جمهوری اسلام می طی بیست روز نشان میدهد که ۹۲ درصد اخبار خارجی آنها از منابع خبرگزاریهای امپریالیستی نظیر یونایتد پرسیس، آسوشیتد پرسیس، فرانس پرس و رویتر و نشریات امپریالیستی است.

پیش از نود درصد اخبار خارجی رادیو و تلویزیون ج.ا. مستقیماً به نقل از خبرگزاریهای امپریالیستی پخش می شود. افشای حقایق مربوط به پند و پستهای آشکار و پنهان تسلیحاتی، سیاسی، و اطلاعاتی سران مرتجع جمهوری اسلامی و ایالات متحده آمریکا که به "ایران گیت"

معروف گردیده، اثبات کرد که تسلط گسترده امپریالیسم خبری پر رسانه های کشور ما نه امری تصادفی، بلکه ناشی از ماهیت ضد ملی و دمکراتیک حکومت ج.ا. است.

رژیم ج.ا. از درج اخبار و رویدادهای داخلی نیز در مطبوعات پشدت جلوگیری میکند. در وسایل ارتباط جمعی کشور ما اخباری نظیر خرید میلیاردها دلار اسلحه از امپریالیسم، خبرهای مربوط به تعقیب، سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ترقیخواه کشور، اخبار مربوط به شکنجه در زندانها و تعداد زندانیان سیاسی که متجاوز از یکصد هزار نفر می باشند، همه و همه در زیر ساطور سانسور قرار دارند. باتوجه به واقعیات فوق، کوشش روزنامه نگاران کشورهای غیرمتعهد جهت رساندن پانگ صلح و آزادیخواهی مردم میهن ما بگوش جهانیان، پیش از پیش ضرور میگردد.

بگذار قلم و توان همه ما در راه خاتمه دادن به جنگ ویرانگرانه ایران و عراق، در راه پیروزی مشی مصالحه ملی در افغانستان انقلابی، در راه دفاع از خلق فلسطین در تعیین سرنوشت خویش و در راه دفاع از صلح جهانی، و در راه ایجاد جهانی فارغ از خطر مرگبار سلا حهای هسته ای پیش از پیش بکار افتد!

پارندگی شدید مقدار زیادی آب سرازیر شده از کوه، پندخاکی که از مقاومت کافی برخوردار نبوده می شکند و چون دهانه، پل نیز تنگ بوده، بلافاصله پری می شود و آب گل آلود پر حجم سرازیر شده از کوه که ارتفاع آن به هشت متر می رسیده بصورت سیلاب از پل تجریش پسوی جنوب سرازیر می گردد.

مردم، از صدای مهیب شکستن سد، به تصور اینکه بمباران هوایی آغاز شده است به تونل های حفر شده، مترو هجوم می برند و پراثر سرازیر شدن گل و لای بیش از ۴۵۰ نفر زیر آن مدفون می شوند.

پنا به اعتراف صدای ج.ا. این رقم تخمینی است و تعداد دقیق کسانی که در زیر گل و لای مانده اند معلوم نیست.

بازار تجریش بکلی از بین رفته و آثار گل و لای و سنگهای کوه تا خیابان میرداماد نیز رسیده است.

باتوجه به تجمع انبوه مردم در میدان تجریش (پل تجریش) و اینکه اوج فاجعه در ساعت دوازده بوقت تهران بوده، بیشک رقم کشته شدگان پیش از اینها است. میزان خسارات وارده نیز بسیار زیاد است، زیرا بازار تجریش که خود یک مرکز تجاری است بکلی نابود شده است.

چرا جاری شدن سیل فاجعه آفرید؟

با آغاز حفر تونل هایی برای ساختمان مترو تهران در شمال شهر، بمنظور جلوگیری از پیر شدن تونل ها از آب در بالای گلابدره، شمیران یک سد خاکی ایجاد کردند تا بدین وسیله آبهای سرچشمه گرفته از کوه را پشت این سد ذخیره کنند. در عین حال دهانه پل تجریش را نیز از هشت متر به دو متر تقلیل دادند. علت فاجعه، اخیر اینست که پراثر

اعتصاب غذای ***

مامورین زندان به زندانیان اعتصابی فشار می آورند تا خانواده هایشان را از مراجعه به مقامات دولتی، مذهبی و بین المللی بازدارند. ولی خانواده ها دامنه فعالیتشان را روبروز گسترده تر کرده و صدای اعتراضشان را بلندتر می کنند. خطر اعدام گروهی از زندانیان در پند هر لحظه بیشتر می شود. ما از همه سازمانهای مترقی و انسانهای شریف در داخل و خارج از کشور طلب می کنیم پانگ اعتراض خود را علیه این وحشیگری ها بلند کنند.

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است

همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

* هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تظاهرات مشترکی را به منظور همبستگی با زندانیان در حال اعتصاب غذای زندان گوهردشت و دفاع از خواستهای پرحق همه زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و اعتراض به تضییق و شکنجه و بد رفتاری با زندانیان و گرسنه نگاه داشتن آنان سازمان دادند. در این تظاهرات اعلامیه هایی به زبان آلمانی از سوی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در میان رهگذران پخش گردید.

* شرکت کنندگان در مراسم یادبود شهادت سیلوستر هایدرو، مبارز راه آزادی از یوغ فاشیسم، در اتریش طی تلگرامی به سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین انزجار خود را از ادامه جنگ بی معنی و مصیبت آور ایران و عراق از شکنجه و نابودی زندانیان سیاسی، به ویژه زندانیان توده ای اعلام کردند.

رفیق صابر انصاری، مردی ***

می خواند که آگاهی را خاموش می خواهند و بهمین دلیل کمر به قتل پیشروان جنبش انقلابی میهنان می بندند.

رفیق صابر انصاری در دیماه ۱۳۱۶ در "مرنی" در دامان خانواده ای از کشاورزان رنج کشیده چشم پر زندگی گشود، در مزرعه با گرفت و چهل سال به کشاورزی پرداخت. در سال ۱۳۵۶ با حزب آشنا شد. او در جریان انقلاب نقش پسزائی در سازماندهی اهالی "مرنی" علیه رژیم شاه و پس از آن در دفاع از برنامه های حزبش و آرمانهای انقلاب داشت. به او بعنوان یک توده ای احترام می گذاشتند و همین سبب خشم عوامل رژیم شده بود.

هنگامی که بیکر بی چانش را می بردند تا بپاک سپارند انبوهی از زحمتکشانش بدرقه اش می کردند. سالخورده گان می گفتند هرگز در عمر خود چنین تشیع جنازه باشکوهی ندیده برده اند. از مزدوران رژیم کاری برنیامد، جز آن که تا سه روز برق روستا را قطع کنند. قهرمانان زنده اند قهرمانان هماره زنده اند.

کمک مالی رسیده:

بازارهای انترناسیونالیستی
رفیق یونانی ارتزور
۵۰۰ کرون

NAMEH
MARDOM
NO: 166

آدرس پستی:
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden